

متن پرسش

معلمی شغل نیست؛ عشقست، ای عاشق روزت مبارک! ای معلم تو را سپاس؛ که گفت «لئن شکرتم لأزیدنکم». قلبی که پس از بیست سال تپیدن آموخت، دستی که پس از عمری بخشیدن آموخت، فکری که پس از سالیان سال شکوفا شد، قدمی که بعد از گذر از دالانی تاریک و ظلمانی، در راه حیات و طروات گذارده شده، همه و همه مرهون شیرین سخنی توست. همه و همه در دستان پر مهر توست، در صورت برافروخته و لبخند های جان فزای توست. و تو چه کردی که انسانی در پرتو حضورت منور به حیات شد، قلبش مطمئن به توکل شد. روحش مالا مال از ریحان شد. من تا پیش از دیدنت جز «تن» در بساط نداشتیم، لکن اینک در راهی پیش می‌روم که جز «تن» بساطم سرشار از عشقست و جوانی! راست می‌گویم! ۲۴ سال از عمرم می‌گذرد اما تنها ۴ سال است که زنده‌ام! و اینک همچو پروانه می‌گردم دنبال شمع دل افروز مهدی موعود در این ایرانی که روح الله (ره) فرمود بر بال فرشتگان نشسته است. ایرانی که سراسر وسعتش همه نور است و شور. که هرگونه و در هر جا و در هر شکلی که او را التیام بخشی، جزایش خود ذات الله تعالی است از تو آموختم که ایران را جان خود بدانم و جانانه بنوازمش، معلم تو را سپاس.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: با آرزوی توفیق برای جنابعالی. آری! حکایت همه ما آن است تا راهی را که یقیناً حضرت رب العالمین در مقابل مان می‌گشاید را بیابیم و حکایت مان آن شود که: «اول قدم آن است که او را بیابیم / آخر قدم آن است که با او باشیم» و از این جهت آن رهبر شهید را، راهی می‌دانم که باید همواره مدّ نظر باشد. آیا بعد از شهادت آن مرد، بازخوانی شخصیت‌شان به همان معنایی نیست که ماورای شهرت‌شان به آن شخصیت فکر کنیم؟ شخصیتی که به فراتر از زمانه خود نظر داشت و در جستجوی فردایی بود که نسبت به آن بیگانه نبود و می‌دانست از دل ویرانه‌ها حوادث نویی می‌شکوفد و از این جهت می‌توان گفت هیچ چون و چرایی در آن نیست که دوران دیگری در پیش است که انسانیت انسان‌ها مدّ نظر خواهد بود. امید است که او به عنوان یک راه، همواره مدّ نظرمان باشد و گفتنی‌هایی با همدیگر داشته باشیم. موفق باشید